

تأثیر اجرای روش تدریس یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان

مریم داستانیپور
کارشناسی آموزش ابتدایی



MDOI-01-2026.0027
چاپ شده - 1-BFBE5A

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اجرای روش تدریس یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان انجام شد. یادگیری مشارکتی به عنوان یکی از رویکردهای نوین آموزشی، زمینه تعامل فعال، مسئولیت‌پذیری، تبادل افکار و مشارکت اثربخش دانش‌آموزان را در فرآیند یاددهی - یادگیری فراهم می‌سازد. در این پژوهش، تأثیر این روش بر دو مؤلفه مهم تربیتی و آموزشی، یعنی مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت، مورد توجه قرار گرفت. روش پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقطع [ابتدایی شهر اصفهان] بود که از میان آنان نمونه‌ای به شیوه در دسترس/تصادفی انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی و آزمون خلاقیت بود. گروه آزمایش طی چند جلسه تحت آموزش به شیوه یادگیری مشارکتی قرار گرفت، در حالی که گروه کنترل از روش سنتی بهره‌مند شد. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که اجرای روش تدریس یادگیری مشارکتی تأثیر مثبت و معناداری بر بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، از جمله همکاری، همدلی، برقراری ارتباط مؤثر و مسئولیت‌پذیری، داشته است. همچنین نتایج بیانگر آن بود که این روش در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان، از طریق تقویت تفکر واگرا، ایده‌پردازی و حل مسئله، نقش مؤثری ایفا می‌کند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که به‌کارگیری روش یادگیری مشارکتی در محیط‌های آموزشی، علاوه بر ارتقای کیفیت یادگیری، در رشد ابعاد اجتماعی و خلاقانه شخصیت دانش‌آموزان نیز مؤثر است. بنابراین، استفاده از این روش به معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: یادگیری مشارکتی، روش تدریس، مهارت‌های اجتماعی، خلاقیت، دانش‌آموزان

روش تدریس یادگیری مشارکتی یکی از روش‌های یادگیری مشارکتی است که تأثیر مثبتی بر مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان دارد. در این روش، دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک کار می‌کنند و هر عضو بخشی از موضوع را یاد می‌گیرد و سپس به دیگران آموزش می‌دهد. این فرآیند تعاملی باعث تقویت مهارت‌های اجتماعی و پرورش خلاقیت می‌شود (امیرحسینی، 1400).

در عصر حاضر، نظام‌های آموزشی به دنبال روش‌هایی هستند که نه تنها بر انتقال دانش تأکید داشته باشند، بلکه مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان را نیز پرورش دهند. یکی از روش‌های مؤثر در این زمینه، تدریس به روش یادگیری مشارکتی است که بر پایه یادگیری مشارکتی استوار بوده و دانش‌آموزان را به صورت فعال در فرآیند یادگیری درگیر می‌کند. این روش که توسط الیوت آرونسون¹ در دهه ۱۹۷۰ طراحی شد، بر این اصل استوار است که هر دانش‌آموز بخشی از یک موضوع را به صورت تخصصی یاد می‌گیرد و سپس آن را به دیگر اعضای گروه آموزش می‌دهد. این ساختار تعاملی نه تنها باعث تعمیق یادگیری می‌شود، بلکه همکاری، مسئولیت‌پذیری، ارتباطات مؤثر و تفکر خلاقانه را نیز تقویت می‌کند (تورنس، 1397).

از آن جا که قواعد علمی و دانش بشری دائماً در حال پیشرفت و جایگزینی هستند، باید به دانش‌آموزان مهارت‌های فراگیری علوم را هم آموزش داده شود تا هیچ گاه در تنگنا قرار نگیرند. یادگیری مشارکتی یا آموزش از طریق همیاری، رویکردی جدید در آموزش دنیاست که هدف‌های عمده آن عبارتند از: درگیر کردن دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری، از بین بردن حالت تک بعدی و معلم محور کلاس‌ها و ایجاد علاقه و انگیزه به یادگیری فعال در دانش‌آموزان. با توجه به تغییرات و پیشرفت‌های سریعی که در علوم روی می‌دهد، دانش‌آموزان ما نیازمند روش‌هایی هستند که از طریق آن‌ها به مهارت‌های یادگیری دست یابند تا خود بتوانند علوم را بهتر و سریع‌تر و همگام با پیشرفت‌ها بیاموزند. روش یادگیری مشارکتی یا آموزش از طریق همیاری دانش‌آموزان را در این امر یاری می‌دهد (جانسون و جانسون²، 2022).

امروزه بشر در سایه رشد فناوری هر لحظه بر اطلاعات و یافته‌های خود می‌افزاید و نظام‌های آموزشی موظف هستند این اطلاعات حجیم را به یادگیرندگان خویش انتقال دهند؛ از طرف دیگر، یکی از اهداف اساسی هر برنامه درسی و به تبع آن مدارس، شناخت مسائل اجتماعی و یافتن راه حل‌های منطقی و اثربخش برای مسائلی است که عناصر سازنده آن در جوامع مختلف متفاوت است و نمی‌توان با استفاده از برنامه‌های درسی یکسان و با کاربست روش‌های آموزشی غیرفعال و عمدتاً از طریق کتاب‌های درسی و معلم مسائل را حل و فصل کرد و دانش اطلاعات را انتقال داد؛ بلکه باید با تدوین برنامه‌های درسی مناسب، متنوع و مؤثر و به کارگیری روش‌های فعال آموزشی پرورش مهارت‌های زندگی در یادگیرندگان را تقویت کرد تا آنان خود بتوانند به کسب دانش و حل مسائل مختلف اجتماعی مبادرت کنند (حسینی، 1400).



مهارت‌های اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی است. داشتن مهارت‌های اجتماعی باعث پیشرفت فرد می‌شود. مهارت‌های اجتماعی به صورت رفتارهای آموخته شده ای تعریف می‌شود که از نظر اجتماعی پسندیده است و امکان ارتباط با دیگران را فراهم می‌کند. این مهارت‌ها کیفیت زندگی افراد را افزایش می‌دهد و به آنها در دستیابی به اهداف کمک می‌کند (دنیز و ارسوی¹، 2020).

این رفتارها شامل موارد زیر است: رفتارهای بین فردی مثل مصالحه، کمک خواستن از دیگران، معرفی خود، احترام به دیگران، شناخت دیگران و دوستی با دیگران؛ رفتارهایی که متضمن رضایت دیگران است، مثل اجازه خواستن، شریک شدن، تشکر کردن، آگاهی هیجانی و تعامل هیجانی؛ رفتارهایی که کنترل فردی را فراهم می‌کنند، مثل مهارت حل مسئله، مواجهه با مشکلات، تصمیم‌گیری و مسئولیت داشتن؛ رفتارهایی که باعث افزایش مهارت‌های ارتباطی می‌شود، مثل گوش کردن، همدردی و احترام به علائق و نیازهای دیگران در حین ارتباط (بلاک²، 2023).

خلاقیت و مهارت اجتماعی از موضوعات مهم و کانون توجه صاحب نظران حوزه آموزش و پرورش است. پرورش خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان در چارچوب برنامه‌های درسی و حتی فوق برنامه از اهداف مدارس و نهادهای تربیتی است. مهارت‌های اجتماعی اغلب به عنوان مجموعه‌ای پیچیده از مهارت‌ها در نظر گرفته شده است که شامل ارتباط، حل مساله، تصمیم‌گیری، جرات ورزی، تعامل با همسالان و خودمدیریتی می‌شود (حسینی، 1400).

در عصر حاضر، نظام‌های آموزشی به دنبال روش‌هایی هستند که نه تنها به انتقال دانش بپردازند، بلکه مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت را نیز در دانش‌آموزان پرورش دهند. در این میان، روش‌های یادگیری مشارکتی مانند یادگیری مشارکتی به دلیل تأکید بر تعامل گروهی و مسئولیت‌پذیری فردی، جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. این روش با ایجاد فضایی پویا و تعاملی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ضمن یادگیری عمیق مفاهیم درسی، مهارت‌های ضروری برای زندگی جمعی و تفکر نوآورانه را نیز کسب کنند. (محزون زاده بوشهری، 1401).

مهارت‌های اجتماعی، از جمله همکاری، ارتباط مؤثر، حل تعارض و کار تیمی، از جمله ضروری‌ترین توانمندی‌هایی هستند که دانش‌آموزان برای موفقیت در محیط‌های آموزشی و شغلی آینده به آن‌ها نیاز دارند. از سوی دیگر، خلاقیت به عنوان موتور محرکه پیشرفت فردی و اجتماعی، نیازمند روش‌هایی است که به جای حفظ‌محوری، به پرورش تفکر واگرا و ایده‌پردازی بپردازند. روش یادگیری مشارکتی با ساختاری منعطف و مشارکتی، این امکان را فراهم می‌آورد که دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری نقش فعالی داشته باشند و از طریق تبادل نظر با همسالان، به راحل‌های خلاقانه دست یابند (رحیمی، 1399).

با توجه به اهمیت این موضوع، این تحقیق به بررسی تأثیر روش تدریس یادگیری مشارکتی بر ارتقای مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان می‌پردازد. یافته‌های این مطالعه می‌توانند به معلمان،



برنامه‌ریزان آموزشی و سیاست‌گذاران کمک کنند تا با به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس، گامی مؤثر در جهت پرورش نسلی خلاق و اجتماعی بردارند.

بیان مساله

امروزه بشر در سایه رشد فناوری هر لحظه بر اطلاعات و یافته‌های خود می‌افزاید و نظام‌های آموزشی موظف هستند این اطلاعات حجیم را به یادگیرندگان خویش انتقال دهند؛ از طرف دیگر، یکی از اهداف اساسی هر برنامه درسی و به تبع آن مدارس، شناخت مسائل اجتماعی و یافتن راه حل‌های منطقی و اثربخش برای مسائلی است که عناصر سازنده آن در جوامع مختلف متفاوت است و نمی‌توان با استفاده از برنامه‌های درسی یکسان و با کاربری روش‌های آموزشی غیرفعال و عمدتاً از طریق کتاب‌های درسی و معلم مسائل را حل و فصل کرد و دانش اطلاعات را انتقال داد؛ بلکه باید با تدوین برنامه‌های درسی مناسب، متنوع و مؤثر و به کارگیری روش‌های فعال آموزشی پرورش مهارت‌های زندگی در یادگیرندگان را تقویت کرد تا آنان خود بتوانند به کسب دانش و حل مسائل مختلف اجتماعی مبادرت کنند (کامکاری و افروز، 1401).

مهارت‌های اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی است. داشتن مهارت‌های اجتماعی باعث پیشرفت فرد می‌شود. مهارت‌های اجتماعی به صورت رفتارهای آموخته شده ای تعریف می‌شود که از نظر اجتماعی پسندیده است و امکان ارتباط با دیگران را فراهم می‌کند. این مهارت‌ها کیفیت زندگی افراد را افزایش می‌دهد و به آنها در دستیابی به اهداف کمک می‌کند (ساندرلند¹، 2024).

در روش یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک به وظایف مختلف تقسیم می‌شوند و برای تکمیل پروژه به یکدیگر وابسته هستند. این نوع همکاری به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی خود را تقویت کنند و به نحو مؤثرتر با همکلاسی‌های خود تعامل داشته باشند. دانش‌آموزان در این روش باید به‌طور جمعی به حل مسائل بپردازند. این امر موجب تقویت مهارت‌های حل مسئله و یادگیری نحوه برقراری ارتباط مؤثر در محیط‌های گروهی می‌شود. چون هر دانش‌آموز اطلاعات خاصی از بخش‌های مختلف درس را دارد، آن‌ها باید به نظرات و دیدگاه‌های یکدیگر احترام بگذارند و اطلاعات خود را با سایر اعضای گروه به اشتراک بگذارند. در این روش، هر دانش‌آموز موظف است که بخش خود را به دقت مطالعه کند و آن را به شیوه‌ای جذاب و خلاقانه به همگروهی‌هایش انتقال دهد. این امر باعث می‌شود که دانش‌آموزان از روش‌های ابتکاری برای ارائه اطلاعات استفاده کنند (ریسیگ²، 2023).

پس از اشتراک‌گذاری اطلاعات، دانش‌آموزان باید به تحلیل و ترکیب داده‌ها بپردازند. این فرآیند موجب تقویت تفکر انتقادی و خلاقانه می‌شود. الگوهای تدریس در واقع الگوهای یادگیری اند و ما به عنوان معلم‌ها در حالی که به دانش‌آموزان خود اطلاعات می‌دهیم نحوه یادگیری درست را نیز به آنها می‌آموزیم. نحوه تدریس اثر بسیار بر روی توانایی دانش‌آموزان دارد. معلمان موفق ارائه دهنده صرف اطلاعات نیستند



بلکه آنها دانش آموزان خود را به انجام تکالیف سالم اجتماعی وادار کرده به آنها نحوه ی استفاده ی موثر از آنها را یاد می دهند. الگوهای موفق می تواند به معلمان برای کاربرد معینی در تدریس کمک کرده و اثر بخشی و کارایی را افزایش دهد. اما ذکر این نکته ضروری است که تلفیق و به کارگیری ترکیبی آنها نیز امکان پذیر است و این امر مستلزم خلاقیت، تجربه و مهارت علمی است(کاشفی، 1400).

الگوهای تدریس ابزار مهمی برای گشودن راه سازماندهی آموزش و پرورش در جهت استفاده از انواع هوش و افزایش یادگیری است. الگوهای مشارکتی رویکرد آموزشی مناسب برای استفاده از مسئله‌گشایی و تفکر و تحقیق با توجه به برنامه، اهداف و امکانات در اختیار می‌گذارد. الگوهای تدریس مشارکتی به لحاظ ساختاری زیرمجموعه خانواده الگوهای اجتماعی و برای آموزش همکاری است. در الگوهای تدریس مشارکتی دانش‌آموزان نقش اساسی برعهده دارند. معلم به عنوان راهنما و هدایت‌کننده عمل می‌کند و وظیفه دارد شرایط یادگیری را فراهم نماید. الگوهای تدریس مشارکتی دانش‌آموزان را به گفتگو، جستجو، تفکر و آموزش یکدیگر فرا می‌خواند. الگوهای گوناگونی در یادگیری مشارکتی معرفی شده‌اند که الگوی یادگیری مشارکتی یکی از مهمترین آنها تلقی می‌شود. در آن دانش‌آموزان به منظور دستیابی به یک هدف مشخص و برای اجرای کامل وظیفه محوله با یکدیگر همکاری می‌کنند. معمولاً، دانش‌آموزان به تیم‌هایی برای مطالعه فصلی از یک کتاب درسی گروه‌بندی می‌شوند. آنگاه هر کدام از اعضای تیم قسمتی از فصل را مطالعه نموده و مسئول آموزش آن به سایر اعضای تیم خود می‌شوند. کلاسهای یادگیری مشارکتی علاوه بر ایجاد امنیت، حس همکاری و صمیمیت و جو عاری از تقلب و رقابتهای خشونت‌بار و جلوگیری از جو عاطفی منفی و حس حسادت در دانش‌آموزان در محیط مدارس به انتقال علم و دانش با الگوی هدفمند و مناسب به دانش‌آموزان و گسترش مهارت‌های آنان کمک می‌کند(دوی¹، 2022)

روش یادگیری مشارکتی به وسیله اسلاوین در سال ۱۹۸۶ اصلاح شد در این روش دانش آموزان به گروه‌های ۴ یا ۵ نفره تقسیم می‌شوند. در این روش، کلیه دانش آموزان، یک مطلب مشترک نظیر یک فصل کتاب، یک داستان کوتاه یا یک زندگینامه را مطالعه می‌کنند در عین حال از هر دانش آموز خواسته می‌شود تا در مورد یکی از عناوین مطلب مورد نظر(یک بخش خاص)، مطالعه عمیق تری به عمل آورد. آن دسته از دانش آموزانی که در مورد یک عنوان مشترک مطالعه می‌کنند گروه‌های تخصصی تشکیل می‌دهند و یادگیری خود را در مورد آن موضوع عمیق تر نموده و بعد به منظور تدریس آموخته‌های خود به سایر اعضای گروه به تیم‌های خود باز می‌گردند. سرانجام، همه دانش آموزان در آزمون‌های انفرادی شرکت می‌نمایند و نمره هر گروه بر اساس میانگین نمرات اعضای آن گروه مشخص می‌شود و گروه‌هایی که به حد نصاب معین رسیده باشند موفق به اخذ گواهینامه یا پاداش می‌شوند. این روش در خصوص مطالبی که اساس یادگیری آن‌ها مطالعه درسی است کاربرد دارد. الگوی یادگیری مشارکتی همان طور که ذکر شد توسط الیوت آرونسون ابداع و به عنوان الگوی یادگیری مشارکتی با کاربردی جدید معرفی شده است. با این الگو دانش آموزان در بخشی از موضوعات درسی که موظف به یادگیری آن هستند، مهارت کامل به دست می‌آورند و سپس آموخته‌های خود را به سایر اعضای گروه خود می‌آموزند. مزیت الگوی

یادگیری مشارکتی این است که اگر چه نتایج حاصل از تلاش هر دانش آموز با دانش آموز دیگر متفاوت است، ولی به همه دانش آموزان با توانایی‌های متفاوت به طور یکسان مسئولیت لازم را اعطا می‌کند. در الگوی یادگیری مشارکتی به طور معمول، دانش آموزان برای مطالعه یک فصل از کتاب درسی گروه بندی می‌شوند. پس از آن هر کدام از اعضای گروه‌ها یک قسمت از این فصل را مطالعه می‌کند و مسئول آموزش آن قسمت به سایر اعضای گروه خود می‌شود (ایوبی، 1400).

باوجود تأکید نظریه‌پردازان تربیتی بر مزایای یادگیری مشارکتی، میزان و مکانیسم تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت در بافت آموزشی ایران کمتر مورد بررسی نظاممند قرار گرفته‌است. همچنین، مشخص نیست که آیا این روش می‌تواند بر همه ابعاد مهارت‌های اجتماعی (مانند همکاری، ارتباطات، همدلی و حل تعارض) و سطح خلاقیت (سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط) تأثیر یکسان داشته باشد یا خیر (قدرتی، 1399).

این پژوهش با تمرکز بر این شکاف دانشی، به بررسی این پرسش اصلی می‌پردازد: اجرای روش تدریس یادگیری مشارکتی تا چه اندازه و چگونه می‌تواند بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر بگذارد؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند راهنمای ارزشمندی برای معلمان، برنامه‌ریزان درسی و دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش در جهت به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس باشد.

الگوی تدریس یادگیری مشارکتی

یادگیری از طریق همیاری با تشکیل تیم‌های یادگیری میسر می‌شود. در یک تیم یادگیری همه اعضای تیم فکر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و کار انجام می‌دهند و رهبری و مسئولیت به عهده همه است. این طرح بردو فرضیه استوار است: اولین فرضیه این است که هر یک از شرکت کنندگان قسمت متفاوتی از موضوع درسی را که قرار است همه یاد بگیرند می‌خواند. دومین فرضیه اینکه هر فراگیر می‌تواند به اعضای تیمش درس بدهد. زمانی که فراگیران می‌فهمند که کار آبی تیم مستلزم آن است که هر فرد یک بخش از موضوع را فرا بگیرد و سپس به دیگران درس بدهد (برانگیخته می‌شود که با مطالعه بخش خود، به تیم خود کمک کند و به کسب شایستگی می‌رسد) در این روش وقتی همه ی اعضا کار خویش را انجام دادند کل درس آموزش داده می‌شود (قدرتی، 1399).

الف- مراحل طرح تدریس یادگیری مشارکتی

- 1- آمادگی فردی
 - 2- کار تیمی
 - 3- آزمون
 - 4- نقد و بررسی
 - 5- جمع بندی
- در این طرح هر فراگیر می‌تواند به اعضای تیم آموزش بدهد، بنابراین هر عضو هم به عنوان معلم و هم به عنوان شاگرد عمل می‌کند.
 - در اجرای این طرح همیاری بین اعضای تیم کلید موفقیت است، هیچ کس نمی‌تواند در کلاس درس خاموش باشد (قدرتی، 1399).

2- مراحل تدریس یادگیری مشارکتی

1- آمادگی فردی

متن درس به بخش‌های مستقل و تقریباً مساوی تقسیم می‌شود.

دانش آموزان گروه بندی می‌شوند.

برای هر فراگیر یک بخش از موضوع جهت مطالعه ی فردی تعیین می‌شود (رحمتی، 1400).

خلاقیت

خلاقیت به عنوان يك سرمایه ارزشمند و منبعی ضروری برای انسان در قرن بیست و يك محسوب می‌شود که به عنوان ابزاری قدرتمند در جهت بهبود کیفیت زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد (رحمانی و همکاران، 1401).

با توجه به شتاب رشد، فناوری‌های پیشرفته و ارتقای سطح و جوامع مدنی، به نظر می‌رسد، پرورش استعداد‌های خلاق در محیط‌های آموزشی برای هر جامعه‌ای ضروری و حیاتی باشد. در زمینه خلاقیت، تعاریف متعدد و متنوعی ارائه شده است. خلاقیت واژه ای عربی است که ریشه به معنی آفریدن است. در لغت نامه دهخدا، خلاقیت به معنای خلق کردن و به وجود آوردن است و فرد خلاق شخصی است که دارای عقاید نو باشد. در فرهنگ وبستر، خلاقیت، قدرت و توانایی خلق و ایجاد مفاهیم یا به کارگیری آن در شکل جدید از طریق مهارت‌های ذهنی تعریف شده است (سام خانیان، 1402).

خلاقیت از دیدگاه مکتب روانکاوی

خلاقیت از ضمیر ناخودآگاه فرد منشاء می‌گیرد.

خلاقیت محصول جانبی فرایندهای ذهنی پیش از خلاقیت است.

اگو (خود) است که اجازه بروز ضمیر ناخودآگاه را به فرد می‌دهد

آرزوی مردم برای رسیدن به خوشبختی تبدیل به نیرویی برای بروز تخیلات می‌شود

فروید: فقط مردم بدبخت در رویاهای روزانه و در تخیلات خود می‌توانند خلاقیت را بروز دهند.

از دیدگاه وی، مصائب و مشکلات بخش جدایی ناپذیر تخیلات و رویاها هستند.

یونگ نیز تقریباً همین دیدگاه را دارد.

نظریه فروید درباره خلاقیت:

زیگموند فروید، بنیانگذار روانکاوی نظرات متفاوتی را در ارتباط با منبع و خاستگاه خلاقیت ارائه می‌دهد که عبارت است از:

الف- منبع خلاقیت همان تضاد است

ب- خلق افکار و اندیشه‌های تازه در تقلیل اضطراب ناشی از تضاد تاثیر دارد

ج- تفکر خلاق شکل عالی تخیلات آزاد و بازی‌های دوران کودکی است



د- فرد مبتکر و خلاق معمولاً افکار و عقاید تازه را می پذیرد، در صورتی که افراد عادی یا غیر خلاق اینگونه افکار را عقب می رانند.

ه- تجربیات کودکی در پیدایش افکار و اندیشه های تازه کاملاً تاثیر دارد. این افکار ادامه همان تجربیات یا جانشین آنهاست.

آیا می توان خلاقیت را عملی برای رهایی از رنج و اضطراب دانست؟

می توان آن را یافتن راه حلی برای یک مسئله که دغدغه ذهنی (تنش فکری؟) فرد در طول زمان گذشته بوده است تلقی نمود.

از این رو، داشتن دغدغه به منزله یک عامل محرك برای تفکر و واكوی زمینه های آن و نیز یافتن راه حل برای آن می تواند از این دیدگاه توجیه پذیر باشد (کامکاری و افروز، 1400).

-خلاقیت از دیدگاه مکتب رفتارگرایی

خلاقیت جزئی از رفتارهای طبیعی انسان است

واتسون (دیدگاه اثبات گرایانه): خلاقیت نه در درون ذهن انسان، بلکه به منزله یک رفتار قابل مشاهده و مطالعه است. رفتار منجر به خلاقیت نیز تابعی از عوامل گوناگون از جمله ضمیر ناخودآگاه، و عواملی مانند پاداش و یا تنبیه می باشد. هنگامی که فرد راه حل موفقیت آمیزی برای یک مسئله پیدا می کند در واقع بر یک فشار ذهنی غلبه کرده است (کرفت، 1397).

خلاقیت باعث به وجود آمدن احساس بهتر و خوب می شود. در واقع، خلاقیت پاسخی است برای برطرف کردن فشار روانی (اسکینر) واتسون: محیط اجتماعی باعث شکل گیری شخصیت و رفتار انسان می شود. از دیدگاه وی، در طول زندگی انسان، شرایط و وضعیت اجتماعی به شکل ناخودآگاه و در حافظه و ضمیر آنها نقش بسته و تاثیر می گذارد (کامکاری و افروز، 1401).

ثورندایک: پاداش می تواند در پاسخ دهی به شرایط اجتماعی و محیطی موثر باشد و خلاقیت را به وجود آورد. ثورندایک؛ شرط عاملی و خاطرات ناخودآگاه به منزله عناصر اولیه (اصلی) در تشریح رفتاری دلایل خلاقیت عمل خلاقانه، از دیدگاه رفتارگرایان، یک الگوی رفتار شناختی است که ابتدا به ضمیر ناخودآگاه دسترسی می یابد و سپس آن را در بافت یک محرك فوری (مثلاً یک مسئله) فرآوری یا پردازش می کند. زمانی که مسئله حل شد و یا راه حلی برای آن پیدا شد، فرد به آرامش می رسد (کامکاری و افروز، 1400).

تاثیر اجرای روش تدریس یادگیری مشارکتی بر مهارت های اجتماعی و خلاقیت

در دنیای امروز آموزش، یکی از مهمترین ضروریات زندگی به شمار میرود؛ بطوری که بدون آموزش ادامه زندگی در معرض خطر قرار میگیرد، از آنجایی که آموزش، نیازمند هزینه و بودجه زیادی است خوش بینی تحصیلی یک باور فردی در معلمان است که متشکل از سه مؤلفه، احساس کارآمدی، اعتماد بین والدین و دانش آموزان و تاکید تحصیلی می باشد که علی رغم سطح اقتصادی و اجتماعی دانش آموزان با



پیشرفت تحصیلی رابطه دارد. این سازه جدید به عنوان یک باور معلم، نقش مهمی در تنظیم عالمانه رفتار دارد. با توجه به اصول عاملیت انسان و تعیین گری متقابل سه بعدی بندور میتوان سه مؤلفه خوشبینی و تعاملات آنها را در جهت ایجاد یک محیط یادگیری فعال و سازنده تشریح کرد. احساس کارآمدی معلم به صورت قضاوت وی در مورد قابلیتش برای دستیابی به نتایج مطلوب در مورد مشارکت دانش آموزان و یادگیری آنها حتی آنان که سرسخت و بی انگیزه هستند تعریف می شود (تیگر¹، 2024).

یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر روش تدریس الگوی جیکساو، متغیر مهارت های اجتماعی است توانایی ها و رفتارهای وابسته ای که مهارت های اجتماعی را تشکیل میدهند، همراه پیچیدگی ارتباط میان رفتار و محیط که برای کسب این مهارت ها و انجام آن ضروری است منجر به بروز تعاریف متعددی از مهارت های اجتماعی شده است. برای مثال فیلیپس با مرور تحلیل های ارائه شده در مورد مهارت های اجتماعی به این نتیجه میرسد که، کسی دارای مهارت اجتماعی است که با دیگران طوری رابطه برقرار میکند که بتواند به حقوق، الزامات، رضایت خاطر و یا انجام وظایف خود در حد معقولی دست یابد، در عین حال قادر باشد در این موارد تبادل آزاد با دیگران داشته باشد (میرکمالی و خورشیدی، 1400).

گرشام و الیوت (1990) بر این باور هستند، مهارت های اجتماعی مجموعه رفتارهای آموخته شده ی قابل قبولی است که فرد را قادر میسازد با دیگران رابطه مؤثر و مفیدی داشته باشد و از عکس العمل های نامعقول اجتماعی خودداری کند. مهارت های اجتماعی بیانگر سلامت رفتاری و اجتماعی افراد هستند. این مهارت ها ریشه در بسترهای فرهنگی و اجتماعی دارند و شامل رفتارهایی نظیر پیش قدم شدن در برقراری روابط جدید، تقاضای کمک خواستن، پیشنهاد برای یاری به دیگران است. لیبرمن و همکاران (2022) معتقدند که مهارت های اجتماعی مجموعه رفتارهایی هستند که مردم را در برقراری ارتباط و احساسات و نیازها به شکل صحیح و دستیابی به اهداف فردی یاری میکنند. رفتارهای کلامی و غیر کلامی که موجب تعامل مؤثر فرد با دیگران می شوند شامل همکاری کردن، رعایت نوبت، سازگاری، پیش دستی در انجام فعالیت، انتخاب کردن، پذیرایی کردن و ارتباط برقرار کردن نمونه هایی از مهارت های اجتماعی می باشند (گات و سفران²، 2023).

روش تدریس یادگیری مشارکتی یکی از روش های یادگیری مشارکتی است که تأثیر مثبتی بر «مهارت های اجتماعی» و «خلاقیت» دانش آموزان دارد. در این روش، دانش آموزان در گروه های کوچک کار می کنند و هر عضو مسئولیت یادگیری و آموزش بخشی از مطالب را به عهده می گیرد. در ادامه، تأثیر این روش بر دو جنبه مهم یادگیری بررسی می شود:

1- تأثیر یادگیری مشارکتی بر مهارت های اجتماعی

- تقویت کار گروهی: از آنجا که دانش آموزان برای تکمیل یک هدف مشترک تلاش می کنند، مهارت های همکاری و تعامل بین فردی بهبود می یابد.



دومین همایش و نشست بین المللی نخبران پیش‌رو در خط علوم تربیتی و آموزشی و علوم انسانی



-افزایش مسئولیت‌پذیری: هر عضو گروه نقش کلیدی در آموزش دیگران دارد، که این امر موجب تقویت حس مسئولیت‌پذیری و تعهد می‌شود.

- بهبود ارتباطات: دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چگونه مطالب را به همکلاسی‌های خود توضیح دهند، که این امر مهارت‌های کلامی و شنیداری آنها را تقویت میکند.

کاهش تعارضات: با تقویت روحیه همکاری، احتمال برخوردهای نامناسب کاهش یافته و مهارت‌های حل تعارض رشد میکند (گات و سفران، 2023).

۲- تأثیر یادگیری مشارکتی بر خلاقیت

- تفکر واگرا: از آنجا که دانش‌آموزان باید اطلاعات را به شیوه خودشان ارائه دهند، این روش به پرورش تفکر خلاق کمک میکند.

- یادگیری فعال: مشارکت فعال در تدریس به دیگران، باعث می‌شود دانش‌آموزان به راه‌حل‌های جدید و نوآورانه فکر کنند.

- تنوع دیدگاه‌ها: در روش یادگیری مشارکتی، هر دانش‌آموز بخشی از موضوع را از زاویه خود تفسیر می‌کند، که این امر به غنای ایده‌ها و تقویت خلاقیت جمعی می‌انجامد.

اجرای روش یادگیری مشارکتی نه تنها مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری، مسئولیت‌پذیری و ارتباطات را تقویت میکند، بلکه با تشویق به مشارکت فعال و تبادل ایده‌ها، به رشد خلاقیت دانش‌آموزان نیز کمک شایانی مینماید. این روش به‌ویژه در محیط‌های آموزشی که هدفشان پرورش یادگیری عمیق و مهارت‌های زندگی است، بسیار مؤثر است.

روش تدریس یادگیری مشارکتی با تکیه بر یادگیری مشارکتی، تأثیر قابل‌توجهی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی و تقویت خلاقیت دانش‌آموزان دارد. این روش با ایجاد ساختاری مبتنی بر مسئولیت‌پذیری فردی و همکاری گروهی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ضمن تسلط بر محتوای درسی، مهارت‌های ضروری برای زندگی جمعی و تفکر نوآورانه را پرورش دهند (کلارک و مینر¹، 2023).

به‌طور کلی، یادگیری مشارکتی نه تنها یک روش آموزشی مؤثر برای تسهیل یادگیری است، بلکه ابزاری کارآمد برای پرورش شهروندانی مسئولیت‌پذیر، خلاق و اجتماعی محسوب می‌شود. اجرای این روش در کلاس درس می‌تواند تحولی مثبت در فرآیند یاددهی-یادگیری ایجاد کند و نتایج بلندمدتی در رشد فردی و جمعی دانش‌آموزان داشته باشد.



بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که اجرای روش تدریس یادگیری مشارکتی تأثیر معناداری بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و افزایش سطح همکاری میان دانش‌آموزان دارد. این یافته‌ها از چند منظر قابل تحلیل و تبیین است.

نخست، روش یادگیری مشارکتی مبتنی بر تقسیم مسئولیت‌های یادگیری و ایجاد وابستگی متقابل مثبت میان اعضای گروه است. در این ساختار، موفقیت فردی هر دانش‌آموز به میزان مشارکت دیگر اعضای گروه وابسته است؛ به همین دلیل، دانش‌آموزان ناگزیر می‌شوند برای دستیابی به هدف مشترک، با یکدیگر همکاری کرده و از طریق تعاملات کلامی و غیرکلامی مهارت‌های اجتماعی خود را به‌کار گیرند. چنین شرایطی باعث می‌شود فرصت‌های تمرین و تقویت مؤلفه‌هایی چون ارتباط مؤثر، همدلی، احترام متقابل، مسئولیت‌پذیری و حل تعارض فراهم گردد.

از نظر کاربردی، یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که استفاده از روش یادگیری مشارکتی می‌تواند فراتر از اهداف صرفاً آموزشی، بستری برای ارتقای توانمندی‌های اجتماعی و تقویت همکاری دانش‌آموزان نیز فراهم کند. در شرایطی که ضعف مهارت‌های اجتماعی و کمبود روحیه‌ی همکاری یکی از چالش‌های عمده‌ی نظام آموزشی محسوب می‌شود، به‌کارگیری این روش می‌تواند به ایجاد فضایی پویا، مشارکتی و تعامل‌محور در کلاس‌های درس کمک نماید.

نتایج کلی پژوهش حاضر نشان داد که اجرای روش تدریس یادگیری مشارکتی بر ابعاد مختلف تعاملات فردی و گروهی دانش‌آموزان اثر مثبت و معناداری داشته است. به‌طور مشخص، یافته‌ها بیانگر آن بودند که این روش به توسعه مهارت‌های اجتماعی، افزایش همکاری و ارتقای خویشتنداری و همدلی دانش‌آموزان منجر شده است.

از منظر نظری، می‌توان این نتایج را با ویژگی‌های ذاتی روش یادگیری مشارکتی توضیح داد. در این الگو، هر دانش‌آموز مسئول یادگیری بخشی از محتوای آموزشی و انتقال آن به گروه خود است. چنین ساختاری نوعی وابستگی متقابل مثبت ایجاد می‌کند که هم دانش‌آموزان را به همکاری واقعی و مشارکت فعال وامی‌دارد و هم مهارت‌های اجتماعی و بین‌فردی آنان را تقویت می‌کند. الزام به گوش‌دادن فعال، احترام به دیدگاه‌های دیگران، رعایت نوبت، همدلی و کنترل واکنش‌های هیجانی از جمله پیامدهای طبیعی این فرایند آموزشی است.

از دیدگاه نظریه‌های آموزشی، نتایج پژوهش حاضر با اصول نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و نظریه ویگوتسکی قابل تبیین است. بندورا بر نقش مشاهده و تعامل در یادگیری رفتارهای اجتماعی تأکید دارد و ویگوتسکی نیز رشد شناختی و اجتماعی را محصول تعاملات گروهی می‌داند. بنابراین، الگوی یادگیری مشارکتی که بر تعامل، همکاری و یادگیری متقابل استوار است، محیطی فراهم می‌سازد که در آن مهارت‌های اجتماعی، همکاری، خویشتنداری و همدلی به‌طور طبیعی تقویت می‌شوند.



دومین همایش و نشست بین‌المللی نخبگان پیش‌رو در خط علوم تربیتی و آموزشی و علوم انسانی

از نظر کاربردی، یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که معلمان می‌توانند با بهره‌گیری از روش یادگیری مشارکتی، فراتر از اهداف آموزشی سنتی، در پرورش مهارت‌های زندگی و شایستگی‌های اجتماعی دانش‌آموزان نیز نقش‌آفرین باشند. در شرایطی که نظام آموزشی با چالش‌هایی همچون ضعف مهارت‌های اجتماعی، کاهش روحیه همکاری و مشکلات رفتاری مواجه است، روش یادگیری مشارکتی می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد کارآمد برای ایجاد محیطی پویا، مشارکتی و تعامل‌محور در کلاس‌های درس به کار گرفته شود.

در مجموع، پژوهش حاضر تأیید کرد که روش تدریس یادگیری مشارکتی علاوه بر اثرگذاری مثبت بر یادگیری علمی، توانسته است مهارت‌های اجتماعی، همکاری، خویشتن‌داری و همدلی دانش‌آموزان را ارتقا بخشد. بنابراین، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران آموزشی و معلمان، این روش را به‌عنوان بخشی از رویکردهای تدریس خود در برنامه‌های درسی بگنجانند تا زمینه‌ای برای پرورش دانش‌آموزانی توانمند در عرصه‌های فردی، اجتماعی و تحصیلی فراهم آید.



منابع

- امیرحسینی، خسرو. (1400)، خلاقیت و نوآوری (مبانی، اصول، تکنیک‌ها). تهران: انتشارات عارف کامل.
- ایوبی، زهرا. (1400). مقایسه یادگیری مشارکتی و سنتی بر پیشرفت تحصیلی و حرمت خود دانش آموزان دختر پایه سوم متوسطه منطقه 10 تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، مرکز آموزش مدیریت دولتی خراسان.
- حسینی، افضل السادات (1400)، ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- سامخانیان، محمدریغ. (1402). خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی. تهران: رسانه تخصصی.
- رحمتی، عبدالمجید (1400)، بررسی تاثیر روش تدریس یادگیری در حد تسلط بز پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کم توان ذهنی مراکز آموزش کودکان استثنائی شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- رحمانی‌فضلی، عبدالرضا؛ بونری، سیما (1401). دستیابی به توسعه‌ی پایدار روستا با تأکید بر نقش محوری رسانه‌های جمعی، مطالعه‌ی موردی: استان قزوین. جغرافیا و توسعه. 14-101
- کاشفی، فهیمه (1400). مقایسه سبک های فرزند پروری و خالقیت در دانش آموزان دختر پایه دوم دبیرستان با مادران شاغل و خانه دار شهرستان سمنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- کامکاری، کامبیز. افروز، غلامعلی (1401). مبانی روان شناختی هوش و خلاقیت: تاریخچه، نظریه‌ها و رویکردها، تهران: مؤسسه انتشارات.
- کرفت، آنا. (1397). پرورش خلاقیت در کودکی. (ترجمه مهدی نورانی). اهواز: رسش.
- قدرتی، معصومه. (1399). مقایسه تاثیر یادگیری مشارکتی با یادگیری انفرادی در میزان یادسپاری، درک و فهم، تجزیه و تحلیل، قضاوت اطلاعات علمی درس علوم تجربی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر قم. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه علامه طباطبائی.
- محزون زاده بوشهری، فاطمه (1401) رابطه بین مهارت حل مساله و خلاقیت دانشجویان بانقش واسطه‌گری خودکار آ مدی تحصیلی: مدل یابی معادلات ساختاری، نشریه ابتکار و خلاقیت.
- میرکمالی، سید محمد. خورشیدی، عباس (1399)، روش‌های پرورش خلاقیت در نظام آموزش، تهران: نشر یسطرون.

1. Block, J.H. & R.B. Burns.(2022)Mastery learning. In: L.S. Shulman (ed.). Review of research in education, vol 4, pp 3-49



2. Clarke _ Stewart .A. Miner J.L (2023). Child and Day Care Effects of, Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development, 268-278.

3. Deniz .D.. Ersoy, M.,. (2020). Improving social skills through cooperative learning.
4. Dowee, M. (2022). Evaluation of art therapy on mood, anxiety, and pain levels in patients with cancer undergoing chemotherapy Treatment. JORNAL of CLINICAL ONCOLOGY. Official Journal of the American Society of Clinical Oncology.
5. Goth, F. Sofran, M. (2023). A comparison of parantel attitude perceptions in children of working and non-working mothers. Social Behavior and Personality, 35, 693-706.
6. Johnson, D. Roger Johnson. And Mary Beth stanne(2022). Cooperative learning methods: A metaanalysis. University of Minnesota.
7. sanderland., A,. (2023). The Influence Of Art Making on Anxiety: A Pilot Study. Art Therapy Journal of the American Art Therapy Association, 29(2), 68-73
8. Tiger, M., (2024). Creativity snd collaborative larning and teaching strategies in the drsign dis crippling Inducation
9. Torrance, E.,& Goff,K.(2020). A quiet revolution. Journal of Creative Behavior, 23, 136-145